



بفر کتابل

## سوسیالیسم برای بچه ها

کتابچه آموزشی برای بچه های خوب ایران

## سوسیالیسم (عدالت اجتماعی) برای بچه ها

بچه های گلم و نوجوانان ایران زمین

سالهاست که بعضی ها نمیگذارن شما مطالعه کنید و با علوم روز آشنا بشید.

وقتی می گم بعضی ها، فقط منظورم رهبران ایران نیست.

آخه رهبران ایران فقط بلدند با زور جلوی مطالعه رو بگیرند.

اما خیلی از رهبرا هستند که زرنگترند و ظاهرا جلوی کسی را نمی گیرند

اما با مشغول کردن مردم و مخصوصا جوانها و کودکان به کارهای جذاب و

بی ارزش سعی دارند که نگذارند شما فکر کنید.

مثلا بازی هایی رو بیرون می دن که فوق العاده است و اگه بری تو

بحر شون ممکنه چند شبانه روز مشغولتون کنه

یا کتابهایی که جز جادوگری و وقت گذرانی چیزی بهتون یاد نمی ده

من خودم هم که کوچیک بودم دوست داشتم ازین کارا بکنم و وقتم رو

تلف کنم اما یه موقع به خودم اومدم و گفتم:

«مگه من چقدر وقت دارم که اونو اینطوری هدر می دم؟»

این بود که از اون موقع قید این کارهای جذاب ولی الکی وبی ارزش رو  
زدم

الان سالهاست که بازی کامپیوتری نکردم. برای بچه هام هم هیچ وقت  
سی دی بازی نمی خرم.

اما در عوض کتاب می خونم اون هم نه هر کتابی  
کتابی که سوادم رو زیاد کنه و بفهمم دنیا دست کیه

\*\*\*\*\*

اون وقتا که بچه بودیم تو کشورمون انقلاب شد.

خیلی شلوغ پلوغ بود و ما بچه ها هم خوشحال بودیم چون همه هیجان  
داشتند .

یکی مذهبی بود. اون یکی کمونیست بود و یکی هم طرفدار آمریکا.

همه با هم بحث می کردند و همه سعی می کردند مطالعه کنند تا توی بحثها  
کم نیارند.

کلی کتاب چاپ می شد و سر هر کوچه ای دکه زده بودند و جلسه می گذاشتند.

همون موقع بود که برای اولین بار اسم **سوسیالیسم** به گوشم خورد.

نمی دونم مریم، دختر کارگر حمامی، بود که این لغت را گفت یا افشین، پسر معلمی که چهارتا خونه اونورتر بود.

مریم وافشین و خیلی از بچه های بزرگتر توی محل کتاب می فروختند و ما را جمع می کردند و برامون از این کلمه های گنده گنده می گفتند.

البته بهتون بگم که یه بار هم از افشین یه کتک حسابی خوردم چون وقتی دیدم مریم از دور میاد بهش گفتم دوست دخترت داره میاد و اون هم بهش برخورد.

گفتم که اولین بار این کلمه رو در بچگی وهمون سالها شنیدم

و پرسیدم که سوسیالیسم چیه؟

گفتند عدالت اجتماعی

یعنی این که همه برابر باشند و اینجوری نباشه که یکی همه چیز داشته باشه و بقیه هیچ چیز نداشته باشند.

و اینکه همه خونه داشته باشند و همه بچه ها بتونند مدرسه برند.

اینا رو که می شنیدم یاد پسر عموم می افتادم که تنها بچه خونواده بود  
وهرچه می خواست برایش می خریدند اما ما پنج تا برادر خواهر بودیم  
وهمیشه سر غذا و اسباب بازی با هم دعوا داشتیم.

شبها هم که تو یه اتاق می خوابیدیم سر تشک و جای خوابیدن جر و بحث  
می کردیم.

فکر می کردم که چی می شه اگه ما هم مثل پسرعمومون اتاقی برای  
خودمون داشتیم و یه تلویزیون کوچیک ۱۴ اینچ که باهاش کارتون ببینیم؟  
اما اینا همه خواب و خیال بود و ما مجبور بودیم با همون تلویزیون لامپی  
کهنه مون بسازیم .

تازه کارتون هم مثل حالا زیاد نشون نمی دادند.

همه این کمبودها باعث می شد که به سمت کتاب بریم و مطالعه کنیم.

بزرگتر که شدم باز هم در فکر سوسیالیسم بودم. این بود که کلی کتاب در  
این مورد تهیه کردم و خوندم .

و حالا می خوام براتون به زبون ساده بگم که سوسیالیسم چیه

اینو بگم که دوست دارم شما هم که بزرگ شدید کتابخون حرفه ای بشید  
وهمش کتاب بخونید تا کسی نتونه سرتون به راحتی بذاره.

سوسیالیسم یعنی این که کسی فقیر نباشه

این خونه خوشگل رو ببینید:



خیلی قشنگه

مگه نه؟

صاحب این خونه یه بازاری پولداره که سالی دو سه بار ماشینش رو عوض

می کنه



بچه های تو این خونه هم خیلی شاد و خوشحالند. آخه اونها استخر  
خصوصی با جکوزی و زمین والیبال دارند. تازه باباشون قول داده که اگه  
درساشون رو خوب بخونند برایشون یه اسب خوشگل هم بخره  
بچه ها هم همیشه شاگرد اول هستند.

بچه بزرگتر خونواده امسال دیپلم پیش دانشگاهی رو می گیره و قراره بابا  
کارش رو جور کنه و بفرسته هلند تا اونجا داروسازی بخونه  
زندگی خوب و راحتی دارند مگه نه؟

حالا این عکس رو ببینید:



تو این حیاط پنج تا خانواده زندگی می کنند که هر کدامشون چهار پنج تا بچه هم دارند.

تفریحشون هم اینه که از صبح تا شب دستفروشی یا گدایی کنند.

آخه بابا مامانشون که پول درست و حسابی ندارند که خرج خانواده رو بدن واسه همین ،بچه ها هم باید کار کنند.

تو اون خونه ای که روش لاستیک گذاشتند یه خانواده چهار نفره زندگی می کنه.بچه بزرگشون هشت سال داره ولی مدرسه نمی ره .

یه روز به باباش گفت که چرا اسم منو مدرسه نمی نویسی؟

می دونی باباش چی گفت؟

بغض کرد و گفت : پول نداریم برات مداد ودفتر و مدادتراش بگیریم.

باباش مریض شده وهمیشه تب می کنه

اون رو بخاطر مریض بودن از کار بیرون کردند.

می پرسید کی این کار رو کرده؟

چه فرقی می کنه ممکنه بابای پولدار اون بچه های خوشبخت باشه یا یه آدم پولدار دیگه.



به هر حال زندگیشون خیلی بده و دکتر گفتند اگه پدرشون درمان نشه تا دو سه سال دیگه می میره.

\*\*\*\*\*

راستی بچه ها

چرا باید اینجوری باشه؟

یکی اونقدر خوشبخت و یکی اینقدر بدبخت؟

فکر می کنید علتش چیه؟

بذارید من بهتون بگم:

علتش اینه که در اون کشوری که اینا زندگی می کنند قانون جنگل حاکمه.

قانون جنگل میگه هر کی قویتره حق داره به ضعیفتر از خودش زور بگه.

اما یه چیز جالب که تو این کشورا هست اینه که رهبران این کشورها هیچ وقت نمی گن ما قانون جنگل داریم.

اونای گن ما اقتصاد آزاد داریم. ما سرمایه داری داریم

وقتی ازشون می پرسی چرا باید اینجوری باشه می گن: خوب یکی زحمت کشیده و پولدار شده و یکی هم بد شانسی آورده و مریض شده.

بچه های گلم آیا اونا راست می گن؟

آیا بچه های خونه اولی که استخر و جکوزی دارند هم زحمت کشیده اند؟

آیا بچه بزرگتر این خانواده که چهار پنج سال دیگه دکتر می شه با زحمت به اینجا رسیده؟

یا اون بچه که نمی تونه مدرسه بره، آیا مقصره که باباش مریض شده؟

معلومه که جواب می دید :

نه

صحبت از آزادی اقتصادی فقط بهانه است تا بتونند موقعیت خودشون رو حفظ کنند.

خوب معلومه که اینا هیچ زحمتی نکشیدند. فقط با جمع کردن پول و زیاد کردن اون به اینجا رسیدند.

سوسیالیسم چی می گه:

**می گه همه باید خونه داشته باشند و همه باید درس بخونند.**

خوب شاید پرسید اگه قراره همه خونه داشته باشند و همه درس بخوند پس تکلیف جکوزی و هلند رفتن چی می شه؟

اگه قرار باشه همه با هم برابر بشن اونوقت باز هم می شه استخر رفت واسب سواری کرد؟

سوسیالیستها می گن:

آره

اما باید اسب سواری واستخر و جکوزی رو برای همه فراهم کرد نه اینکه یکی تو خونه اش استخر داشته باشه ولی دیگران نتونن سالی یک بار با بابا ومامانشون برن شمال و آب تنی کنند.

وقتی تو هر شهری به تعداد کافی استخر و میدان اسب سواری و مثل اینها گذاشته بشه همه می تونن ازش استفاده کنند.

یه مثال جالب دیگه براتون بزنم:

این ماشین رو ببینید:



خوشگله مگه نه؟

می دونید قیمتش چقدره؟

شاید اگه قیمتش رو به تومن بگم متوجه نشید اما بهتون می گم که با پولش می شه ده تا خونه کوچیک برای آدمای فقیری ساخت که توی حاشیه همین تهرون زندگی می کنند.

سوسیالیسم می گه

بهبتره همه از وسایل عمومی مثل اتوبوس و قطار و... استفاده کنند.

اگر هم ماشین ساخته می شه نباید گرون باشه تا

همه بتونند اون رو بخرند.

خوب ممکنه بعضی ها بگن اگه قرار باشه که همه یه جور ماشین سوار بشن و ماشینا مثل هم باشه که دیگه اختراعی صورت نمی گیره و ماشینای خوشگل و جدید ساخته نمی شه.

خوب اونا راست می گن اما باید ببینیم کدوم حالت بهتره؟

اینکه یکی بنز داشته باشه و یکی دمپایی هم نداشته باشه؟



یا اینکه همه یکسان باشند و از ماشین های ارزان و ساده استفاده کنند؟

سوسیالیسم جواب دوم رو انتخاب می کنه.

آدمای عاقل هم همینطور و اگه از صد نفر سوال کنی شاید بیشتر از نود نفرشون می گن که جواب دوم درسته.

واسه همینه که بعضیها معتقدند که

### میل انسانها به سوسیالیسم یک میل فطری و ذاتیه

یعنی اینکه آدمها دوست دارند که همه جا برابری باشه.

اما اگه آدمها دوست دارند برابری باشه پس چرا سوسیالیسم در دنیا پیروز نشده؟

چرا می گن سوسیالیسم از بین رفته؟

جواب شما رو باید با یه کم توضیح اضافه بدم:

سرمایه دارها سالهاست که دارن بر ضد سوسیالیسم فعالیت می کنند.

مثلا در خیلی از کشورها سوسیالیستها را می گیرند و زندان می اندازند یا متأسفانه می کُشند.

در کشور ما هم از زمان رضا شاه با سوسیالیستها مبارزه کردند و خیلی ها رو گرفتند و کشتند.

پولدارها که می دیدند اگه سوسیالیستها پیروز بشن ممکنه پولشون رو از دست بدن، هر کاری می کردند که جلوشون رو بگیرند.

می گفتن که اینها مسلمان نیستند و دین ندارند.

(درسته که خیلی از سوسیالیستها دین ندارند اما بعضی هاشون هم مسلمانند  
وسوسیالیست بودن ربطی به دین نداره  
یکی از اون آدمایی که اتفاقا مسلمون هم بود ولی اعتقاد شدیدی به  
سوسیالیسم داشت این آقااست که می بینید:



اسمش هم نخشب بود)

خلاصه اینکه کلی پول خرج کردند اما هنوز نتونستند سوسیالیستها رو از بین  
ببرند.

اگه گفتید چرا؟

چونکه فطرت بشری و ذات انسانی که قابل از بین بردن نیست.

به دروغ می گن که سوسیالیسم شکست خورده.

اما شما باور نکنید



هنوز هم بیش از یک میلیارد نفر از مردم دنیا در حکومت سوسیالیستی زندگی می کنند.

این دروغها رو می گن تا مردم رو فریب بدن و امیدشون رو به دنیای بهتر ازشون بگیرند.

البته نباید همش از سوسیالیسم تعریف کنیم.وبهتره بعضی ایرادهای کوچیکش رو هم بگیریم:

مثلا

شوروی که اولین کشور سوسیالیستی بود بخاطر کم تجربگی یک سری کارهایی رو کرد که باعث شد وجهه انسانی سوسیالیسم یه کم از بین بره اما همون شوروی با این همه انتقادهایی که بهش میشه تونست فقر رو ریشه کن کنه و دوا و درمان رایگان به همه بده و خیلی کارهای بزرگی کرد که خطاهش در مقایسه با کارهای بزرگش به نظر نمیاد.

خوب همیشه اولین بار آدم خیلی اشتباه ها می کنه مگه نه؟

شما اولین بار که دوچرخه سوار شدین چقدر افتادین تا یاد بگیرید؟

یا این ایراد:

وقتی سوسیالیسم حاکم بشه دیگه اون زرق و برقهای کشورهای سرمایه داری از بین میره و ممکنه بعضی ها ناراضی بشن و بگن که جلوی پیشرفت گرفته شده وامثال این حرفها

خوب این مسایل همیشه وجود داشته و در موردش زیاد بحث شده.

اما خوبی های سوسیالیسم خیلی بیشتر از ایرادهاشه واین برای ما خیلی مهمه.

خوب

صحبت ما طولانی شد وحتما شما هم خسته شدید.

امیدوارم این نوشته بتونه شما رو مشتاق کنه تا با این ایده بزرگ بشری آشنا بشید و در آینده به برقراری سوسیالیسم کمک کنید.

امیدوارم روزی بیاد که فقر و جهل در زمین ریشه کن بشه

و هیچ بچه ای بخاطر مریضی پدرش مجبور نشه کار کنه

و هیچ آدمی مجبور نباشه از بی پولی ،شب ها گشنه بخوابه

**به امید اون روز**

باقر کتابدار

<http://persianbooks2.blogspot.com>